



مقایسه تطبیقی نقش برجسته‌های ساسانی و قاجار

علی اصغر میرزایی مهر*

چکیده

نقش برجسته‌های ساسانی که بر سینه کوه‌ها اجرا شده‌اند، بخش مهمی از میراث هنری این دوره باستانی را تشکیل می‌دهند اما با ظهور اسلام و ورود آن به ایران، هنر نقش برجسته‌سازی از میان رفت تا آن که بار دیگر سلسله قاجاریه (به‌خصوص فتحعلی‌شاه) پس از ۱۲۰۰ سال این هنر را احیا کردند؛ در نتیجه نقش برجسته‌هایی نیز از دوره قاجار به یادگار مانده است که شباهت‌های معنی‌داری با آثار ساسانی دارد. هدف این پژوهش علاوه بر معرفی دقیق مختصات نقش برجسته‌ها، مقایسه‌ای تطبیقی است میان نقش برجسته‌های دو دوره تاریخی، تا همسانی‌ها و تفاوت‌های آنها آشکار گردد. این مقاله به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش است که آیا قاجاریه نقش برجسته‌های خود را متأثر از ساسانیان خلق کرده و از ایشان الگوبرداری کرده‌اند؟ هم‌چنین این الگوبرداری احتمالی آیا فقط در قالب آثار بوده یا در محتوا نیز تحت تأثیر ساسانیان هستند؟ پژوهش به روش تطبیقی-توصیفی انجام گرفته و اطلاعات ارائه شده در آن، ترکیبی از تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی است. یافته‌ها نشان می‌دهند که قاجاریه از هنر ساسانی تأثیری همه‌جانبه گرفته و با ایشان اهداف مشترکی داشته‌اند که از جمله؛ تبلیغات جهت تثبیت قدرت مرکزی و ایجاد نوعی هم‌گرایی ملی پیرامون شخصیت شاه بوده است. اما هدف واحد در زمان‌های مختلف الزاماً نتایج یکسانی به بار نمی‌آورد؛ از همین رو علی‌رغم شباهت‌های بسیار میان نقش برجسته‌های ساسانی و قاجاری، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای نیز به چشم می‌خورد.

کلیدواژه‌ها: نقش برجسته‌سازی، قاجاریه، ساسانی، فتحعلی‌شاه.

مقدمه

پیشینه ایجاد نقش و نگار بر روی سنگ، سابقه‌ای به درازای حضور انسان در کره خاکی دارد اما عصر هخامنشی و به‌ویژه ساسانی را می‌توان دوران شکوفایی این هنر به‌شمار آورد. ۳۴ نقش برجسته صخره‌ای اغلب با مضامین روایی از این ایام به‌جا مانده است.

با آمدن اسلام و سقوط سلسله ساسانی، تحولات بنیادی در هنر و فرهنگ ایران به‌وقوع پیوست و از جمله هنر نقش برجسته‌سازی از میان رفت. شاید دیدگاه تردیدآمیز اسلام نسبت به آفرینش تصاویر موجودات ذی روح را بتوان در این امر مؤثر دانست. اگر نقش‌های تاق بزرگ بستان در کرمانشاه را که به عهد خسرو پرویز یعنی اواخر دوران ساسانی مربوط می‌شوند، آخرین نمونه هنر نقش برجسته‌سازی به‌شمار آوریم - حدود ۶۰۰ م - با اولین نقش برجسته‌های قاجاری بیش از ۱۲۰۰ سال فاصله زمانی دارد که بسیار قابل تأمل است.

اما فتحعلی‌شاه قاجار (حکومت ۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه.ق) احیاگر برخی سنت‌های باستانی از جمله هنر نقش برجسته‌سازی پس از ۱۲ سده است. از عهد قاجاریه ۹ اثر نقش برجسته با مختصاتی نزدیک به آثار ساسانی بر جای مانده است که ۸ تای آنها مربوط به سال‌های حکومت فتحعلی‌شاه و یک نمونه یادگار عهد ناصری است. گمان می‌رود با مقایسه تطبیقی نقش برجسته‌های دو دوره بتوان علاوه بر وجوه اشتراک و افتراق نقش برجسته‌ها، اهداف قاجاریه را از احیای هنری باستانی روشن کرد.

پرسش اصلی این است که آیا قاجاریه برای خلق نقش برجسته‌ها به الگوهای باستانی به‌ویژه ساسانی نظر داشته‌اند؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد پرسش فرعی این خواهد بود که انگیزه آنان از احیای هنری باستانی چه بوده است؟

برخی اندیشمندان، پژوهش‌هایی را درباره نقش برجسته‌های ساسانی و پیش از آن انجام داده‌اند (که از منابع مورد استفاده این نوشتار به‌شمار می‌روند)، اما در مورد آثار قاجاریه نه‌تنها تحقیقی صورت نگرفته بلکه حتی معرفی دقیقی نیز از این نقش برجسته‌ها به‌عمل نیامده است.

مؤلف کوشیده است با توجه به پراکندگی جغرافیایی نقش برجسته‌ها، ضمن سفرهای متعدد و در پروسه‌ای طولانی مختصات نسبتاً دقیق آثار را ثبت نموده و هم‌گام با منابع مکتوب، مقایسه‌ای تطبیقی میان دو مجموعه تاریخی به‌عمل آورد، باشد که برخی ارزش‌های مغفول آشکار شوند.

پیشینه تحقیق

پژوهش در راستای تأثیرپذیری قاجاریه از فرهنگ و هنر ایران باستان، پیشینه چندانی ندارد اما تحقیقاتی که به‌گونه‌ای در راستای این موضوع قرار می‌گیرند عبارتند از: محمد مرتضایی، مریم دهقان و یدالله باباکمال (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل نقش برجسته‌های قاجاری مجموعه سنگ تاق بستان کرمانشاه»، تعداد ۴۷ قطعه سنگ دارای نقش برجسته موجود در مجموعه تاریخی تاق بستان را که احتمالاً به‌دوره فتحعلی‌شاه مربوط می‌شود مورد بررسی قرار می‌دهند. نگارندگان، نقش برجسته‌های قاجاری را به‌لحاظ مضمون، دسته‌بندی کرده اما اشاره‌ای به نقش برجسته‌های صخره‌ای عهد قاجار ندارند.

یدالله حیدری باباکمال (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان "نقش برجسته شکارگاه خسرو دوم در تاق بستان و الگوبرداری از آن در نقش برجسته تنگه واشی فتحعلی‌شاه قاجار"، این دو اثر تاریخی را به‌لحاظ محیط جغرافیایی، ویژگی‌های مضمونی و زیباشناسی بررسی می‌نماید و معتقد است که نقش برجسته قاجاری با تأثیرپذیری از اثر ساسانی پدید آمده است. کامران سخن‌پرداز (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان "بازتاب هنر ایران باستان در تزیینات وابسته به معماری خانه امام جمعه و خانه منسوب به امیرکبیر"، فقط تزیینات باستان‌گرایانه به‌کار رفته در این دو بنای تاریخی بر جای مانده از عهد قاجار در تهران را بررسی می‌نماید.

علی‌اکبر وحدتی (۱۳۸۵) در نوشتار خود با عنوان "تجدید حیات هنر ایران باستان در نقوش برجسته دوره قاجار" می‌کوشد تا عوامل مختلفی را که در احیای هنر نقش برجسته‌تراشی در دوره زمامداری دومین شاه قاجار نقش اساسی ایفا می‌کنند، بازگو نماید.

سولماز حاجی علیلو (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی اثرپذیری و موارد الگوبرداری از ایران پیش از اسلام در عصر قاجار با تکیه بر نقش برجسته‌های قاجاری"، هر چند به نقش برجسته‌های ساسانی و قاجاری اشاره می‌کند اما تأثیرپذیری قاجاریه را از کلیت فرهنگ ایران باستان مدنظر دارد نه صرفاً عصر ساسانی.

هم‌چنان که ملاحظه شد، هیچ‌کدام از مقالات و دیگر منابعی که مورد استفاده این تحقیق قرار گرفته‌اند، میان نقش برجسته‌های دو دوره، مقایسه تطبیقی انجام نداده‌اند و عموماً به بخش‌هایی از نقش برجسته‌ها پرداخته‌اند نه به همه آنها. مقاله حاضر می‌کوشد علاوه بر بهره‌مندی از نتایج پژوهش‌های پیشین، جامع‌نگر بوده و مختصات تمامی

فردوسی (1998: 35)، هم‌نشینی با برخی سفیران اندیشمند اروپایی که آغازگران باستان‌شناسی در ایران به‌شمار می‌روند (از جمله؛ سرجان مالکوم S.J. Malcom، سرگوراولی S. Core Ouseley و جیمز موریه J. Morier سفیران انگلیسی در ایران)، فعالیت آذر کیوانیان و پیدایش ادبیات دساتیری که نوعی عرفان نو زرتشتی را تبلیغ می‌کرد (توکلی طرقي، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۷).

از این رو است که دربار پرطمطراق فتحعلی‌شاه، آغازگر نوعی باستان‌گرایی در ایران به‌شمار می‌رود که نمودهایش را در شاخه‌های مختلف هنر و فرهنگ به‌تواتر می‌توان دید. نتیجه این باستان‌گرایی این است که وی خود را به‌صراحت از اعقاب کیومرث و کیکاوس و جمشید معرفی می‌کند و دارای فرّ فریدونی برمی‌شمارد (نفیسی، ۱۳۸۳: ۷۴۷-۷۴۴)، بر اورنگ شاهنشاهی تکیه می‌زند، تاج کیانی بر سر می‌گذارد و سلام نوروزی برپا می‌دارد (ذکاء، ۱۳۴۹: ۱) و درباری باشکوه مشابه بارگاه دارا و انوشیروان و دیگر شاهان افسانه‌ای یا باستانی ترتیب می‌دهد. حال که او در آیین و آداب و سنن و القاب از ایران باستان تقلید می‌کند، طبیعی است که از هنرها و به‌خصوص شناخته‌شده‌ترین میراث باستانی یعنی نقش‌برجسته‌ها نیز تقلید کند؛ به‌همین دلیل است که از سال‌های حاکمیت سلسله قاجاریه (۱۲۰۲-۱۳۴۴ ه.ق) تعداد ۹ اثر نقش‌برجسته بزرگ با مضامین روایی و مختصات کلی که یادآور آثار ساسانی است به‌یادگار مانده^۵ که هشت اثر مربوط به عهد حاکمیت فتحعلی‌شاه و یک اثر مربوط به سال‌های حکومت ناصرالدین شاه است. جدول ۲ که حاصل مطالعات میدانی است، آگاهی‌های لازم را درباره نقش‌برجسته‌های قاجاری به‌دست می‌دهد.

مقایسه تطبیقی نقش‌برجسته‌های ساسانی و قاجاری

الف: وجوه اشتراک میان نقش‌برجسته‌های دو دوره

هر چند با مقایسه جدول‌های شماره ۱ و ۲ شباهت‌های بسیار دو گروه آثار را می‌توان تشخیص داد، اما در اینجا با نگاهی دقیق‌تر وجوه اشتراک آنها برشمرده می‌شود.

استقلال ذاتی نقش‌برجسته‌ها

در دوره ساسانی و قاجار نقش‌برجسته‌ها، آثار هنرمندانه مستقلی هستند که قائم به ذاتند و به‌هیچ هنر دیگری وابستگی ندارند؛ این در حالی است که در اعصار درخشانی هم‌چون هخامنشی که این هنر عیار و اعتبار والایی داشت، وابسته به هنر معماری و در خدمت آن بود. به‌بیان دیگر، نقش‌برجسته‌های هخامنشی بخشی از دیوار بناها و کاخ‌ها

نقش‌برجسته‌های دو دوره را با ارائه جداول و نمودارها مورد مطالعه و بررسی‌های تطبیقی قرار دهد تا علاوه بر روشن‌شدن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، پشتوانه‌های نظری و ریشه‌های باستان‌گرایانه نقش‌برجسته‌های قاجاری تبیین گردد.

روش تحقیق

این پژوهش به‌روش تطبیقی-توصیفی انجام گرفته و جامعه آماری آن شامل ۳۴ اثر نقش‌برجسته بر جای مانده از عصر ساسانی و ۹ اثر دوره قاجاریه است و اطلاعات ارائه‌شده در آن، ترکیبی از پژوهش‌های کتابخانه‌ای و میدانی است اما به‌جهت فقر منابع مکتوب درباره آثار عصر قاجار، این بخش عمدتاً با تحقیقات میدانی میسر گشته است.

نگاهی به نقش‌برجسته‌های ساسانی

اگر «نقش‌برجسته» را اثر سه بعدی اجراشده بر روی سطح (در اینجا سنگ) به‌نحوی که نقوش یا پیکرها تا اندازه‌ای از این سطح برون آیند» (پاکباز، ۱۳۹۴: ۱۵۲۴) بدانیم، از دوران حاکمیت سلسله ساسانی (۲۲۴-۶۵۲ م) تعداد ۲۳۴ اثر نقش‌برجسته به‌یادگار مانده است که با مضامین روایی یا نمادین بر سینه کوه‌ها و صخره‌ها اجرا شده‌اند. عمده این نقش‌برجسته‌ها به یکصد سال آغازین و دوران تثبیت^۲ این سلسله مربوط است. جدول ۱ که با استفاده از منابع متعدّد^۴ تاریخی و برخی مطالعات میدانی حاصل آمده است، پراکندگی جغرافیایی و دیگر آگاهی‌های لازم را درباره نقش‌برجسته‌های ساسانی به‌دست می‌دهد.

نگاهی به حکومت فتحعلی‌شاه و نقش‌برجسته‌های قاجار

از آن رو که نقش‌برجسته‌های قاجاری یا مستقیم به‌سفارش فتحعلی‌شاه پدید آمده‌اند یا به‌دست حکام محلی که فرزندان و گماشتگان وی بودند، پس می‌توان فتحعلی‌شاه را احیاگر هنر نقش‌برجسته‌سازی در دوره اسلامی دانست.

با تأمل در اوضاع اجتماعی و فرهنگی-هنری عصر فتحعلی‌شاه در می‌یابیم که علاقه وی به فرهنگ باستانی فقط به خلق نقش‌برجسته‌ها محدود نمی‌شده است، بلکه در دیگر عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز تقلید از آیین‌های باستانی به‌چشم می‌خورد. او می‌کوشد خود را نه‌تنها حاکم شرعی و ظل‌الله فی‌الارض که میراث‌دار شاهنشاهان باستانی نیز معرفی کند.

از عوامل پیدایش این علاقه‌مندی در فتحعلی‌شاه می‌توان به این موارد اشاره کرد: اقامت وی به‌هنگام ولایت‌عهده‌ی در شیراز و آشنایی او با میراث کهن پیرامون آن شهر، آموزش‌های مناسب ادبی و هنری و در نتیجه علاقه شدید وی به شاهنامه

جدول ۱. معرفی نقش برجسته‌های ساسانی

ردیف	موضوع نقش برجسته	بانی	اندازه به متر	محل اثر	تاریخ اجرا	کتیبه	افراد حاضر در صحنه
۱	پیروزی اردشیر بر اردوان پنجم	اردشیر	۱۸×۴	تنگاب، فیروزآباد	۲۲۴ م	ندارد	اردشیر، ولیعهدش شاپور، ندیم اردشیر، اردوان پنجم، وزیر اردوان، دلاور ناشناس (هینتس، ۱۳۸۵)
۲	دیپهیم‌ستانی اردشیر اول از اهورامزدا	اردشیر	۷×۷/۳	تنگاب، فیروزآباد	ح ۲۳۰ م	پهلوی	اردشیر، اهورامزدا، ندیم اردشیر، ولیعهد و دو تن از خاندان سلطنتی (هینتس، ۱۳۸۵)
۳	دیپهیم‌ستانی اردشیر اول از اهورامزدا	اردشیر	۵×۳	نقش رجب، فارس	ح ۲۳۰ م	ندارد	اردشیر، اهورامزدا، ندیم اردشیر، ولیعهد، دو شاهزاده، شهبانو و خواهر شاه (هینتس، ۱۳۸۵)
۴	دیپهیم‌ستانی اردشیر اول از اهورامزدا	اردشیر	۹/۳×۳	نقش رستم، فارس	ح ۲۳۰ م	پهلوی، یونانی	اردشیر، اهورامزدا، ندیم اردشیر، اردوان پنجم و اهریمن (هینتس، ۱۳۸۵)
۵	اعطای مقام به حاکم ارمنستان و وزیر اعظم	اردشیر	۵×۸/۲	سلماس، آذربایجان	۲۳۸ م	ندارد	اردشیر، شاپور، ارشک دوم ساتراپ ارمنستان و وزیر اعظم اردشیر (هینتس، ۱۳۸۵)
۶	دیپهیم‌ستانی اردشیر اول از اهورامزدا	شاپور	۷/۶×۳	نقش رجب، فارس	۲۴۱ م	یونانی	شاپور، اهورامزدا (هینتس، ۱۳۸۵)
۷	شاپور اول و همراهان	شاپور	۱/۷×۵/۳	نقش رجب، فارس	۲۴۲ م	پهلوی، یونانی	شاپور و ۵ درباری مرد از جمله ولیعهد و چهار شاهزاده، ۲ فرزند و ۲ نوه (هینتس، ۱۳۸۵)
۸	پیروزی شاپور بر امپراتوران روم	شاپور	۱۰/۹×۴/۵	داراب فارس	۲۶۰ م	ندارد	شاپور و سه امپراتور شکست خورده روم و عده‌ای نجیب‌زاده ایرانی و افسران رومی (هینتس، ۱۳۸۵)
۹	شاپور اول در حال کشتن شیر	شاپور	؟	داراب فارس	ح ۲۶۰ م	ندارد	شاپور (هینتس، ۱۳۸۵)
۱۰	دریافت دیپهیم و پیروزی شاپور بر والرین امپراتور روم	شاپور	۲/۹×۵/۵	تنگه چوگان، بیشاپور	ح ۲۶۰ م	ندارد	شاپور، بیدخش (نایب‌السلطنه) ۲ رویداد در یک کادر یا ۱۶ سال اختلاف زمانی (هینتس، ۱۳۸۵)
۱۱	پیروزی شاپور بر امپراتوران روم	شاپور	۴/۱۲×۶/۴	تنگه چوگان، بیشاپور	ح ۲۶۰ م	ندارد	شاپور، اهورامزدا و سه قیصر رومی (هینتس، ۱۳۸۵)

ردیف	موضوع نقش برجسته	بانی	اندازه به متر	محل اثر	تاریخ اجرا	کتیبه	افراد حاضر در صحنه
۱۲	پیروزی شاپور بر امپراطوران روم	شاپور	۴/۱۲×۲/۴	تنگه چوگان، بیشاپور	ح ۲۶۰ م	ندارد	شاپور و سه قیصر رومی به‌علاوه ولیعهد و نایب‌السلطنه (هینتس، ۱۳۸۵)
۱۳	پیروزی شاپور بر امپراطوران روم	شاپور	۱۱×۲/۴	نقش رجب، فارس	ح ۲۶۰ م	یونانی	شاپور و دو قیصر رومی به‌علاوه کرتیر (بعداً افزوده شده) (هینتس، ۱۳۸۵)
۱۴	نقش کرتیر (مغ بزرگ)	کرتیر	؟	نقش رجب، فارس	ح ۲۸۰ م	پهلوی	کرتیر (هینتس، ۱۳۸۵)
۱۵	دیهم‌ستانی بهرام اول از اهورامزدا	بهرام اول	۵/۹×۴	تنگه چوگان، بیشاپور	ح ۲۷۵ م	ندارد	بهرام - اهورامزدا (هینتس، ۱۳۸۵)
۱۶	پیروزی بهرام دوم بر هرمز دوم	بهرام دوم	؟	تنگه چوگان، بیشاپور	ح ۲۸۳ م	ندارد	بهرام و گروه کثیری از بزرگان و سپاهیان که در دو ردیف، طرفین او را گرفته‌اند (هینتس، ۱۳۸۵)
۱۷	پیروزی بهرام دوم بر اعراب	بهرام دوم	؟	تنگه چوگان، بیشاپور	ح ۲۹۰ م	ندارد	بهرام دوم، خیلی از اسیران و درباریان (هینتس، ۱۳۸۵)
۱۸	نبرد بهرام دوم با شیر	بهرام دوم	۴/۶۵×۲	سرمشهد، کازرون	ح ۲۹۰ م	ندارد	بهرام دوم، شهبانو، کرتیر، بیدخش (هینتس، ۱۳۸۵)
۱۹	بهرام دوم همراه با بزرگان دربار	بهرام دوم	۵/۴×۲/۵	نقش رستم، فارس	ح ۲۹۲ م	ندارد	بهرام دوم، شهبانو، ۳ شاهزاده، کرتیر، ۳ ساتراپ (اجراشده روی اثری ایلامی) (هینتس، ۱۳۸۵)
۲۰	بهرام دوم همراه با بزرگان دربار	بهرام دوم	۹/۲×۸/۳	نقش بهرام، فهلیان	ح ۲۹۲ م	ندارد	بهرام، کرتیر، نایب‌السلطنه و ولیعهد و ندیم شاه (هینتس، ۱۳۸۵)
۲۱	بهرام دوم در حال نیایش	بهرام دوم	۱/۲×۷/۱	گویم، قوام‌آباد، فارس	ح ۲۹۲ م	ندارد	بهرام دوم (دادور و غربی، ۱۳۹۱)
۲۲	بهرام و کرتیر در کنار آتشدان مقدس	بهرام دوم	۱۵/۲×۸/۱	برم دلك، فارس	ح ۲۳۰ م	ندارد	بهرام، کرتیر (هینتس، ۱۳۸۵)
۲۳	نبرد هرمز دوم با بیدخش سرکش	هرمز دوم	۶/۶×۵/۵	نقش رستم، فارس	ح ۳۰۲ م	ندارد	هرمز دوم، بابک بیدخش و پرچم‌دار شاه (هینتس، ۱۳۸۵)
۲۴	تاج‌گذاری نرسه	نرسه	۸/۵×۲/۳	نقش رستم، فارس	ح ۳۰۲ م	ندارد	نرسه، آناهیتا ولیعهد و احتمالاً وزیر اعظم (هینتس، ۱۳۸۵)
۲۵	نرسه به شهبانو گل انار تقدیم می‌کند	نرسه	۵/۲×۲	برم دلك، فارس	؟	پهلوی	شهبانو، نرسه عموی شاه (هینتس، ۱۳۸۵)



ادامه جدول ۱. معرفی نقش برجسته‌های ساسانی

ردیف	موضوع نقش برجسته	بانی	اندازه به متر	محل اثر	تاریخ اجرا	کتیبه	افراد حاضر در صحنه
۲۶	نبرد بهرام پنجم	بهرام پنجم	؟	نقش رستم، فارس	ح ۴۲۰ م	ندارد	بهرام و دشمن شکست خورده (هینتس، ۱۳۸۵)
۲۷	نبرد بهرام پنجم با هپتال‌ها	بهرام پنجم	؟	نقش رستم، فارس	ح ۴۲۰ م	ندارد	بهرام و پادشاه شکست خورده هپتال‌ها (هینتس، ۱۳۸۵)
۲۸	نبرد بهرام ششم (چوبین) با خسرو پرویز (ناتمام)	بهرام ششم	؟	کوه سرسره، ری	ح ۰۹۵ م	ندارد	بهرام ششم و خسرو پرویز (کریمان، ۱۳۴۹: ۳۰۱) (دادور و غربی، ۱۳۹۱)
۲۹	شاپور دوم، شاپور سوم	شاپور دوم	۶/۵×۶/۵	تاق بستان، کرمانشاه	ح ۹۰۳ م	پهلوی	شاپور دوم و ولیعهدش شاپور سوم (دادور و غربی، ۱۳۹۱)
۳۰	دیهمستانی اردشیر دوم از اهورامزدا	خسرو پرویز	ح ۴×۶	تاق بستان، کرمانشاه	ح ۰۸۲ م	ندارد	اردشیر، اهورامزدا، آناهیتا و پادشاه شکست خورده کوشان‌ها (دادور و غربی، ۱۳۹۱)
۳۱	اهورامزدا، خسرو پرویز، آناهیتا	خسرو پرویز	؟	تاق بستان، کرمانشاه	ح ۰۰۶ م	ندارد	اهورامزدا، خسرو پرویز، آناهیتا (دادور و غربی، ۱۳۹۱)
۳۲	خسرو پرویز سوار بر شبدیز	خسرو پرویز	؟	تاق بستان، کرمانشاه	ح ۰۰۶ م	ندارد	خسرو پرویز (دادور و غربی، ۱۳۹۱)
۳۳	خسرو پرویز در میان اطرافیان در حال شکار آهو	خسرو پرویز	۵/۸×۳/۹	تاق بستان، کرمانشاه	ح ۰۰۶ م	ندارد	خسرو پرویز و خدمه (دادور و غربی، ۱۳۹۱)
۳۴	خسرو پرویز در میان اطرافیان در حال شکار گراز	خسرو پرویز	۵/۷×۴/۱	تاق بستان، کرمانشاه	ح ۰۰۶ م	ندارد	خسرو پرویز، خدمه و رامشگران (دادور و غربی، ۱۳۹۱)

(نگارنده)

اصلی، آن‌گاه انتقال طرح بر روی گستره مزبور و بعد از آن تراشیدن و خراشیدن سنگ با قلم و پتک و دیگر ابزارها با ظرافتی درخور تا بدان‌جا که با گودافتادن زمینه، نقوش نمایان گردند. در این روش اجرا که نوعی اسلوب کاهشی به‌شمار می‌رود، خطای فنی، جبران‌ناپذیر خواهد بود. مقدار برجستگی نیز در نقش برجسته‌های ساسانی و قاجاری تفاوت چشمگیری ندارد.

رنگ آمیزی نقوش

بر مبنای منابع تاریخی قاجاریه نقش برجسته‌ها را پس از اتمام رنگ آمیزی می‌کردند. هر چند اغلب نقش برجسته‌های قاجاری امروزه در اثر عوامل طبیعی و گذر ایام رنگ‌های خود را از دست داده‌اند، اما برخی نمونه‌های موجود که موقعیت

به‌شمار می‌رفتند (به‌استثنای نقش بیستون)، در حالی که قاجاریه به تقلید از ساسانیان مضامین دلخواه را بر سینه سنگی کوه‌ها نقش زده‌اند.

اسلوب‌های مشترک اجرا

گمان می‌رود برای خلق یک اثر نقش برجسته سنگی در عصر ساسانی و قاجار، مراحلی از این قبیل پشت سر گذاشته شده باشد؛ ابتدا محوطه‌ای مناسب انتخاب می‌شد و سپس نقطه‌ای خاص توسط شاه یا دیگر صاحبان قدرت که به‌لحاظ ارزش‌های بصری و دیگر موقعیت‌های تبلیغی مطلوب بود، تعیین می‌گردید و البته به کیفیت و یکپارچگی سنگ نیز توجه خاص می‌شد، سپس هماهنگی و هم‌فکری با هنرمندان جهت آماده‌سازی طرح اولیه، تراشیدن و صاف کردن صفحه

ردیف	موضوع نقش برجسته	بانی	اندازه به متر	محل اثر	تاریخ اجرا	کتیبه	افراد حاضر در صحنه
۱	جلوس فتحعلی شاه بر تخت	فرمانفرما (حسینعلی میرزا)	۴/۴×۴	تنگه الله اکبر، شیراز	۱۲۱۸ ه.ق.	ندارد	فتحعلی شاه، حسینعلی میرزا (فرزند فتحعلی شاه)، تیمور میرزا (نوه شاه)
۲	شکار شیر	فرمانفرما (حسینعلی میرزا)	۴/۲×۲/۲	تنگه الله اکبر، شیراز	۱۲۱۸ ه.ق.	ندارد	حسینعلی میرزا
۳	شکارگاه فتحعلی شاه	فتحعلی شاه	۹×۷	تنگه واشی، فیروزکوه	۱۲۳۳ ه.ق.	دارد	فتحعلی شاه، ولیعهد عباس میرزا و ۱۴ تن از شاهزادگان و ۵ نفر از خدمه
۴	نقش قهرمانان شاهنامه	فرمانفرما (حسینعلی میرزا)	۱۸×۲	کاخ خورشید، شیراز	۱۲۳۴ ه.ق.	دارد	رستم به علاوه ۲۰ تن از قهرمانان شاهنامه
۵	نقش دولت‌شاه (محمدعلی میرزا)	آقاغنی خواججه‌باشی	۴×۳	تاق بستان، کرمانشاه	۱۲۳۷ ه.ق.	دارد	دولت‌شاه، دو فرزندش به علاوه آقاغنی خواججه‌باشی
۶	نقش تیمورشاه (تیمور میرزا)	تیمور میرزا	۵/۵×۲/۵	پل آبگینه، کازرون	۱۲۴۵ ه.ق.	دارد	تیمورشاه (نوه فتحعلی شاه) و چهار تن از نزدیکان وی
۷	شکار شیر فتحعلی شاه	فتحعلی شاه	۶×۴	کوه سرسره، ری	۱۲۴۶ ه.ق.	دارد	فتحعلی شاه
۸	نقش خاقان	فتحعلی شاه	۱۰/۷۰×۵/۳۰	چشمه علی، ری	۱۲۴۸ ه.ق.	دارد	فتحعلی شاه، ولیعهد عباس میرزا و ۱۵ تن از شاهزادگان به علاوه چتردار.
۹	ناصرالدین شاه و همراهان	ناصرالدین شاه	۸×۴	تنگه بند بریده، مازندران	۱۲۹۵ ه.ق.	دارد	ناصرالدین شاه و ده تن از ارکان دولت

(نگارنده)

حفاظتی بهتری داشته‌اند هنوز رنگ آمیزی‌های خود را حفظ کرده‌اند؛ از جمله نقش برجسته دولت‌شاه در تاق بستان یا شکار شیر حسینعلی میرزا در تنگه الله اکبر شیراز. از سوی دیگر، اگر چه هیچ‌یک از نقش برجسته‌های ساسانی

امروزه رنگی به رخ ندارند، اما برخی منابع تاریخی، روشن‌تر رنگ آمیزی نقش برجسته‌ها است؛ از جمله محمدبن زکریای قزوینی در کتاب آثار البلاد و اخبار العباد که در سده هشتم هجری تألیف شده است درباره نقوش تاق بستان کرمانشاه می‌نویسد: "شگفت اینجا است که صورتگر در این نقش، هر رنگی را جداگانه به تناسب در جای خود به کار برده است. رنگ قرمز، رنگ سفید و رنگ‌های گوناگون دیگر که در تصویر به کار رفته چنین به نظر می‌آید که صورتگر در هنر

اشتراک انگیزه

ساسانیان دیواره سنگی کوه‌ها را تراش داده، نقوش برجسته شاه و دیگر صاحبان قدرت سیاسی را به شیوه روایی و توصیفی بر روی آن اجرا می‌کردند. با توجه به مضامین به تصویر درآمده، از اهداف اصلی ایشان نوعی تبلیغات در راستای تثبیت حاکمیت سیاسی و البته معنوی خود بوده است. قاجاریه نیز (به‌ویژه فتحعلی شاه) در راستای مشابه‌سازی خود با قهرمانان و شاهنشاهان ادوار باستانی و بهره‌مندی

از مواهب آن و در نبود رسانه‌های تبلیغی امروزی و در پی نوعی مشروعیت سیاسی و تبلیغات حکومتی، اقدام به خلق حجاری‌ها بر سینه کوه‌ها نموده‌اند.

بهره‌مندی از اعتبار تاریخی محل اجرا

استفاده از اعتبار فرهنگی و باستانی محل و سابقه تاریخی آن، از جمله اهداف مشترک ساسانیان و قاجاریه در انتخاب محل اجرای نقوش بود. نقش برجسته‌های ساسانی غالباً در مناطقی قرار دارند که در آن روزگار جنبه‌های باستانی داشته و توسط اقوام و سلسله‌های پیشین (به‌ویژه هخامنشیان که ساسانیان خویشتن را از اعقاب ایشان بر

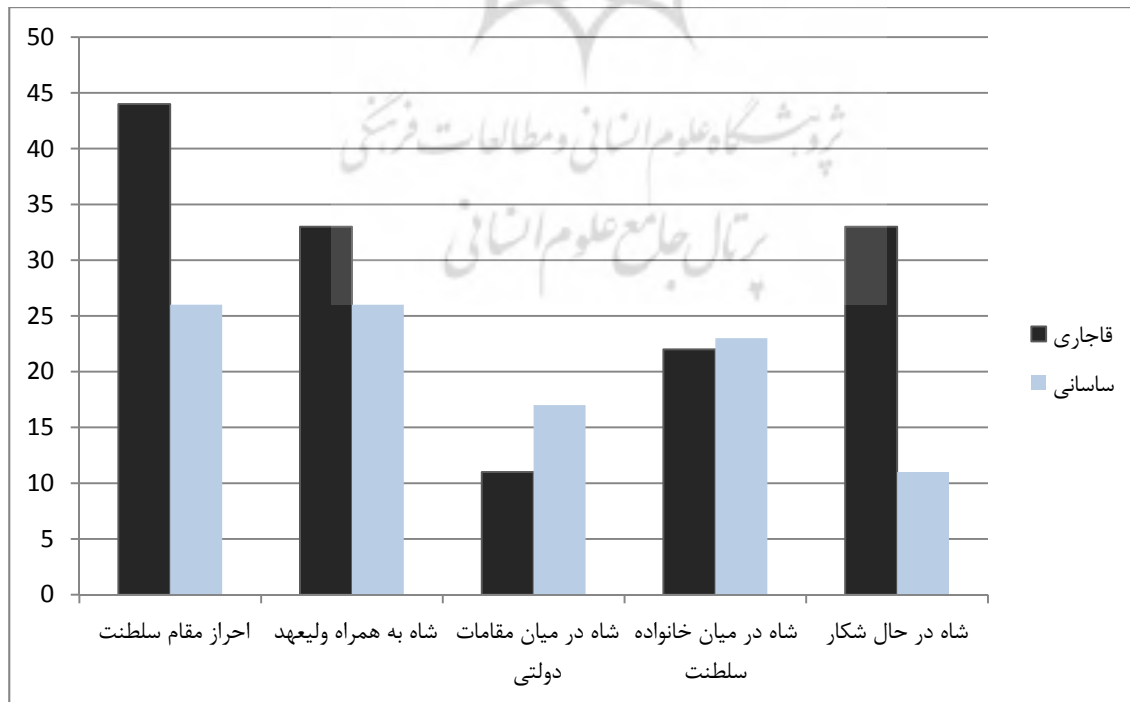
می‌شمردند) مورد بهره‌برداری قرار گرفته بود؛ برای مثال ۷ حجاری موجود در نقش رستم در جوار گوردخمه‌ها و دیگر یادگارهای هخامنشی و ایلامی قرار دارد، نقش برجسته‌های نقش رجب هم در کنار تخت جمشید هستند.

نقش برجسته‌های قاجاری به درجه بیشتری از چنین امکانی بهره برده‌اند، این نقوش اغلب در کنار آثار ساسانی پدید آمده‌اند؛ دو نقش برجسته شهر ری یکی در کنار و دیگری بر روی اثری از عهد ساسانی^۱، دو اثر تنگه الله‌اکبر در مکانی باستانی و در جوار حجاری‌های گویم و در مسیر تخت جمشید و نقش رستم، نقش برجسته محمدعلی میرزا دولت‌شاه در کنار نقوش پرشکوه خسرو پرویز در تاق بزرگ

جدول ۳. الگوهای ساسانی نقش برجسته‌های قاجاری

الگوی ساسانی نقش برجسته قاجاری	نقش برجسته قاجاری
شکار شیر بهرام دوم، سرمشهد، فارس و شکار شیر شاپور در داراب	شکار شیر حسینعلی میرزا در تنگه الله‌اکبر، فارس
شکار شیر بهرام دوم، سرمشهد، فارس و شکار شیر شاپور در داراب	شکار شیر فتحعلی‌شاه، کوه سرسره، شهر ری
شکارگاه خسرو پرویز، تاق بستان، کرمانشاه	شکارگاه فتحعلی‌شاه، تنگه واشی، فیروزکوه
بهرام دوم در میان بزرگان دربار، نقش رستم، فارس	ناصرالدین شاه در میان درباریان، بند بریده، مازندران
حمایت فرشته خوشبختی (نیکه) از شاه، تاق بستان، کرمانشاه	حمایت فرشته از شاه، تنگه واشی، فیروزکوه
شاپور اول و همراهان، نقش رجب، فارس	نقش خاقان، چشمه‌علی، شهر ری

(نگارنده)



نمودار ۱. اشتراکات مضامین میان نقش برجسته‌های ساسانی و قاجاری و درصد فراوانی آنها (نگارنده)

و آبادی به‌شمار می‌رفت. در سرزمین کویری هم‌چون ایران، طبیعی است سرود و نیایش و معبد برای آب برپا دارند. در دوره اسلامی نیز تعالیم دینی، احترام به آب را تأیید می‌کرد؛ پس در هم‌جواری نقش برجسته‌ها با آب، نوعی اهداف آیینی مدنظر بوده است.

موقعیت تبلیغی مشترک

با مقایسه نقش برجسته‌های عهد ساسانی و قاجاری می‌توان به این نتیجه رسید که عمده آثار در کنار شاهراه‌های اصلی و گذرگاه‌های کاروان‌رو که بخش‌های مختلف مملکت را به یکدیگر متصل می‌کرد، قرار دارند (شاید الگوی اولیه این آثار، کتیبه جاودانه داریوش هخامنشی در کوه بیستون باشد که از چنین شرایطی برخوردار بود)؛ تنگه الله‌اکبر (دروازه قرآن) راه ارتباطی شیراز با شمال کشور و اصفهان، تنگه واشی، گذرگاهی تابستانی از فیروزکوه به بیلاقات شمال و استرآباد و گرگان، چشمه‌های ری، مسیر عبور از تهران به صفحات ری و ورامین و قم، پل آبگینه، گذرگاهی بر سر راه شیراز به کازرون و خلیج فارس. روشن است که در فقدان رسانه‌های کارآمدتر، کاروانیان، حاملان بدی برای انتقال اخبار نبودند. در گذشته، خبر، تحفه‌ای بود که هر سفر کرده دنیا دیده‌ای مقداری از آن را در صندوق سینه خود داشت، ویژه آن که نقوش مزبور در نقاطی قرار داشتند که کاروانیان به‌واسطه آب و سایه‌سار در آنجا اتراق می‌کردند، پس اهداف تبلیغی در حد مطلوبی برآورده می‌شد.

بستان و نقش برجسته تیمورشاه در نزدیکی پل و جاده‌ای تاریخی و نقش ناصرالدین شاه و همراهان در کنار بقایای جاده‌ای باستانی از دوره ساسانی.

موقعیت تفرجگاهی مشترک

هر چند ما از شرایط تفریح و تفرج در عهد ساسانی چندان آگاهی نداریم، اما موقعیت‌های دلچسب طبیعی با وجود آب و سایه‌سار و چشم‌اندازهای روح‌نواز، هر زمانی می‌توانند تفرجگاه به‌شمار روند و آدمی نیازمند حضور در چنین فضاهایی است. غالب و شاید تمامی نقش برجسته‌های بر جای مانده از عهد ساسانی در چنین مناطقی پراکنده‌اند و آثار قاجاری نیز از همین موقعیت‌ها بهره‌مند هستند. تنگه واشی، چشمه‌علی، تاق بستان و تنگه الله‌اکبر، امروزه نیز محل گلگشت و سیر و سیاحت هستند. نقش برجسته‌های هر دو دوره ارتفاع چندان از زمین‌های اطراف ندارند و اغلب در دسترس هستند (نقوش هخامنشی در نقاط مرتفع و دور از دسترس اجرا می‌شدند).

قرارگرفتن در کنار آب

نقش برجسته‌های ساسانی و قاجاری عموماً در کنار آب قرار دارند؛ آبی جاری و گوارا. تقدس آب نزد ایرانیان باستان که آن را یکی از عناصر چهارگانه پدیدآورنده جهان بر می‌شمردند، سابقه‌ای کهن دارد و آنهایتا الهه بزرگ آب‌ها، مظهر باروری

جدول ۴. تفاوت‌های نقش برجسته‌های ساسانی و قاجاری

نقش برجسته‌های قاجاری	نقش برجسته‌های ساسانی
پیکر اصلی در غالب آثار، نشسته (بر روی تخت) به‌تصویر درآمده است. هیچ زنی در نقش برجسته‌ها به‌چشم نمی‌خورد. پیکر هیچ شهبانویی به‌تصویر در نیامده است. هیچ شخصیت روحانی در نقوش دیده نمی‌شود. پیکر هیچ دشمنی در نقش برجسته‌ها ترسیم نشده است. هیچ شخصیت دینی در نقش برجسته‌ها به‌چشم نمی‌خورد. پراکندگی نسبی آثار در نقاط مختلف، ۹ اثر در ۷ نقطه. نوشتار بیشتر است و جنبه‌های هنری و ارزش بصری بالاتری دارد. در ۷۰٪ آثار، نام هنرمندان خالق آثار ذکر شده است. ^۹ غالب پیکرها از روبرو و بعضاً سه‌رخ تصویر شده‌اند. کادرها مستطیل کامل هستند و شکستگی تعمدی ندارند. در نقش برجسته‌ها موضوع یا رویداد تکراری دیده نمی‌شود. انحصار ایجاد نقش برجسته در خاندان سلطنتی.	پیکر اصلی در غالب آثار، ایستاده (با بر روی اسب) به‌تصویر درآمده است. ۲۵٪ از پیکرها به اندام زنان اختصاص دارد. ۱۳٪ پیکرها به شهبانو اختصاص دارد. در ۱۶٪ آثار، روحانیان (موبدان) شاه را همراهی می‌کنند. در ۳۵٪ آثار، دشمنان در حالتی زبون و شکست‌خورده به‌تصویر درآمده‌اند. شخصیت‌های دینی و رب‌النوع‌ها (اهورامزدا، آنهایتا ...) شاه را همراهی می‌کنند. تمرکز نسبی آثار در مناطقی محدود، ۳۴ اثر در ۱۱ نقطه. اتکا به نوشتار (کتیبه) چشمگیر نیست. هیچ اشاره‌ای به نام هنرمندان خالق آثار نشده است. غالب پیکرها نیم‌رخ و بعضاً سه‌رخ یا روبرو تصویر شده است. شکستن کادر تصویر در بخشی که سر شخصیت اصلی - شاه - با آن در تماس است. اجراهای متعدد از یک رویداد در نقاط مختلف. اجرای نقش برجسته توسط برخی خاندان‌های غیر سلطنتی از جمله کرتیر.

(نگارنده)

جدول ۵. مقایسه کتیبه‌ها در نقش برجسته‌های ساسانی و قاجاری

ویژگی کتیبه‌ها در آثار ساسانی	ویژگی کتیبه‌ها در آثار قاجاری
۲۱٪ نقش برجسته‌ها کتیبه دارند. کتیبه‌ها اغلب به ۳ زبان نوشته شده‌اند. کتیبه‌ها جنبه هنری و تزیینی ندارند. کتیبه بخشی از ترکیب بندی نیست و گویی موقعیتی از پیش اندیشیده شده ندارد. کتیبه‌ها در یک نقطه متمرکز هستند. کتیبه‌ها به شکل گود (منقور) اجرا شده‌اند. مضمون کتیبه‌ها، ستایش شاه و دودمان او است. شناسایی افراد از طریق تاج، پوشاک و آرایش امکان پذیر است. کتیبه ارزش بصری ویژه‌ای ندارد.	۲۵٪ نقش برجسته‌ها کتیبه دارند. کتیبه‌ها فقط به یک زبان و خط نوشته شده‌اند. کتیبه‌ها در قاب‌های آراسته، به خطی هنرمندانه نوشته شده و جنبه‌های تزیینی و اعتبار هنری دارند. مکان و اندازه کتیبه، بخشی از ترکیب بندی است و در ساختار اثر، موقعیتی تثبیت شده دارد. کتیبه‌ها در پیرامون کادر چیده شده، در گستره تصویر نیز پراکنده‌اند. کتیبه‌ها با تراشیدن پیرامون، به شکل برجسته ارائه شده‌اند. مضمون کتیبه‌ها، ستایش شاه و دودمان او است. افراد حاضر در صحنه با کتیبه‌هایی در پیرامون سرشان معرفی می‌گردند. کتیبه بخشی از ارزش بصری اثر را به خود اختصاص می‌دهد.

(نگارنده)

اشتراک مضمون

مضمون‌های مشترک از دیگر بسترهایی است که الگوپذیری قاجاریه از آثار ساسانی را تقویت می‌کند. نمودار ۱ بیانگر اشتراکات مضامین میان نقش برجسته‌های دو دوره و فراوانی هر کدام است.

جدول ۳ علاوه بر آن که اشتراک مضامین نقش برجسته‌ها را به طور موردی نشان می‌دهد، الگوی احتمالی ساسانی هر یک از نقش برجسته‌های قاجاری را نیز روشن می‌کند.

مضمون احراز مقام سلطنت که در هر دو دوره فراوانی قابل ملاحظه‌ای دارد، به دو شیوه متفاوت در نقش برجسته‌ها نمایش داده شده است. در آثار ساسانی لحظه دریافت دیهیم از رب النوع‌ها به ویژه اهورامزدا به تصویر درآمده در حالی که در آثار قاجاری زمانی بعد از احراز این مقام و جلوس بر اورنگ سلطنت تصویر گردیده است. در هر دو گروه، ولیعهد (نایب السلطنه) و بعضاً دیگر وارثان تاج و تخت (شاهزادگان) هم حضور دارند.

موضوع شکار نیز نه فقط در نقش برجسته‌ها که در دیگر هنرهای تصویری هر دو دوره جایگاه پررنگی داشته است؛ از میان ۳۴ اثر ساسانی ۴ اثر به این موضوع اختصاص دارد و از ۹ نقش برجسته قاجاری نیز ۳ اثر. شکار شیر نهایت دلاوری است که حداقل در نقش برجسته‌ها، برخی شاهان مدعی آن بوده‌اند از جمله شاپور اول و بهرام دوم و فتحعلی شاه.

اشتراک در ساختار بصری و ترکیب بندی

کادر غالب نقش برجسته‌های هر دو دوره، مستطیل افقی است. ساختار ترکیب نقش برجسته‌ها در موضوع جلوس بر تخت سلطنت، ترکیبی ایستا با تمایل به تقارن است؛ در حالی که مضامینی هم چون مجلس شکار، به ضرورت موضوع، ترکیبی پویا و پرتحرک دارند (صحنه‌های نبرد در آثار ساسانی نیز ترکیبی پویا دارند اما این موضوع قرینه‌ای در آثار قاجاری ندارد). لحاظ کردن پرسپکتیو مقامی برای شخصیت‌های محوری در هر دو دوره معمول است و موقعیت مرکزی و ثقل بصری ترکیب و کادر در هر دو گروه، بر شاه یا شخصیت اصلی روایت اختصاص می‌یابد.

ب: تفاوت‌های میان نقش برجسته‌های دو دوره

ناگفته پیداست که در کنار نقاط مشترک فراوان، تفاوت‌هایی نیز میان این دو گروه آثار تاریخی وجود دارد که نتیجه دگرگونی در مبانی عقیدتی و تحولات تدریجی در فرهنگ عمومی جامعه، زیباشناسی و واقعیتی به نام گذر ۱۲۰۰ سال زمان است. جدول ۴ تفاوت‌های عمده نقش برجسته‌های دو دوره را نشان می‌دهد.

نقش برجسته‌های هر دو دوره تاریخی غالباً در گستره خود کتیبه‌هایی دارند. هر چند همراهی نوشته و تصویر، نقطه اشتراک مهمی برای این طیف از آثار تجسمی است، اما ویژگی‌های عمومی و مفاهیم این کتیبه‌ها الزاماً یکسان نیست و اهداف متفاوتی را نشان می‌دهند. جدول شماره ۵ مختصات کتیبه در آثار ساسانی و قاجار را روشن می‌کند.

نتیجه‌گیری

مقایسه تطبیقی نقش برجسته‌های بر جای مانده از عهد قاجاریه با نمونه‌های مشابه ساسانی روشن کرد که قاجاریه نه تنها متأثر از هنر ساسانی بوده‌اند، بلکه از نقش برجسته‌های باستانی تقلید کرده‌اند نه فقط در قالب آثار که در محتوا نیز؛ زیرا:

- ۱- نقش برجسته‌های هر دو دوره استقلال ذاتی دارند و وابسته به هنر دیگری نیستند.
- ۲- روش و اسلوب‌های اجرا در هر دو گروه مشترک است.
- ۳- قاجاریه نیز همانند ساسانیان نقش برجسته را پس از اتمام رنگ‌آمیزی می‌کرده‌اند.
- ۴- هر دو دولت از این آثار به‌عنوان رسانه‌ای تبلیغی جهت مشروعیت‌بخشی به حاکمیت خود سود می‌بردند.
- ۵- هر دو دولت از پیشینه اماکن فرهنگی بهره برده و نقش برجسته‌ها را در کنار آثار باستانی به‌اجرا در می‌آوردند.

- ۶- هر دو دولت برای موقعیت‌های تفرجگاهی ارجحیت قائل بوده و آثار خود را در چنین نقاطی پدید می‌آوردند.
- ۷- هر دو دولت به اهمیت و قداست آب در فرهنگ ایرانی نظر داشته و آثار را در کنار آب اجرا کرده‌اند.
- ۸- ارزش‌های بصری و موقعیت تبلیغاتی، از جمله عوامل مؤثر در انتخاب محل اجرا در هر دو دوره است.
- ۹- مضامین نقش برجسته‌های دو دوره مشترک است.

۱۰- ترکیب‌بندی‌ها و ساختار تجسمی در نقش برجسته‌های دو دوره تقریباً یکسان است. تأثیرپذیری قاجاریه از ساسانیان به‌حدی است که حتی می‌توان الگوهای ساسانی نقش برجسته‌های قاجاری را شناسایی و معرفی کرد (جدول ۳).

با این همه، تفاوت‌های قابل‌ملاحظه‌ای نیز میان دو گروه آثار تاریخی وجود دارد تا اثبات‌کننده این واقعیت باشد که پرسش واحد در زمان‌های مختلف الزاماً پاسخی مشابه دریافت نخواهد کرد. اما در پاسخ به پرسش دیگر پژوهش که انگیزه قاجاریه به‌خصوص فتحعلی‌شاه از احیای هنری باستانی چه بوده است؟ مشخص شد که وی به‌دنبال تثبیت قدرت مرکزی و در رأس آن اعتباربخشی به شخص خود به‌عنوان حاکم مطلق بوده است و در این راستا از همه امکانات تجسمی و تصویری بهره برده است؛ حتی برخی امکانات که تا آن روز چندان شناخته‌شده نبوده‌اند.

حمایت گسترده از هنرها و هنرمندان و سفارش انواع گوناگونی از تصاویر شاهانه به نقاشان را نیز باید در این راستا محسوب داشت. از نقاشی‌های بزرگ رنگ روغنی که بر دیوار کاخ‌ها نصب می‌شد تا تصاویرهای ریزنقشی که بر کتاب‌ها روی جواهرات و ظروف و قلمدان‌ها نقش می‌بست، فتحعلی‌شاه است که اولین سکه‌های تصویری پس از اسلام را ضرب می‌کند و بدین ترتیب شاه تکثیرشده به خانه‌ها و کاشانه‌ها راه می‌یابد. هم او است که تاج کیانی بر سر می‌گذارد، سلام نوروزی برپا می‌دارد و خود را از تخمه کیومرث و دارای فرّ فریدونی به‌شمار می‌آورد. توجه به هنر نقش برجسته‌سازی را نیز باید در همین راستا ارزیابی کرد؛ در تمامی آثار تصویری بسیار متنوعی که از عهد وی بر جای مانده، شاه مرکز ثقل نیروهای بصری، حاکم مطلق، پیروز و مقتدر، آرام و باوقار با آرایش ثابت و تغییرناپذیر از گذر ایام و جاودان‌نما به‌تصویر درآمده است.

فتحعلی‌شاه با توجه به ارزش‌های باستانی از جمله هنر نقش برجسته‌سازی می‌کوشد تا گذشته ایران را به دو پاره قبل و بعد از اسلام تقسیم نکند، بلکه پلی بزند میان فرهنگ باستانی و تمدن اسلامی، باشد که دو سوی دره‌ای به‌وسعت ۱۲۰۰ سال به‌هم پیوندند؛ از این رو است که او هم القابی هم‌چون ظل‌الله را یدک می‌کشد هم شاهنشاه همایونی را. او هم نماینده ایران اسلامی و هم نماینده ایران باستان است.

شمایل چنین نماد و نماینده‌ای طبیعی است که تکثیر شود در اشکال و اندازه‌های متنوع و در همه‌جا پراکنده گردد تا نشانی از حضور او باشد. تصویر او حامل نوعی نفوذ و عامل گونه‌ای پیوند و هم‌گرایی در میان توده‌ها است چه در محفل چه بر سینه کوه.



او با این نقش برجسته‌ها از محدوده تنگ کاخ و دربار بیرون آمده به میان مردم می‌رود و در دسترس رعیت قرار می‌گیرد. اما آن‌گاه که دوره تثبیت حکومت قاجار سپری شد، هنر نقش برجسته‌سازی نیز رو به فراموشی رفت هم‌چنان که در عهد ساسانی چنین شد.

پس از حصول این نتیجه که قاجاریه در هنر نقش برجسته‌سازی از آثار ساسانی الگوبرداری کرده‌اند، آیا می‌توان این یافته پژوهشی را به‌دیگر هنرها نیز تعمیم داد؟ آیا دیوارنگاری‌ها و نقاشی‌های قاجاری نیز از الگوهای ساسانی تبعیت می‌کنند؟ هنرهایی هم‌چون معماری، ادبیات و موسیقی چگونه؟ جستجوهای از این دست، پرتوهای روشنگری بر زوایای تاریک تاریخ هنر و فرهنگ ما خواهد افکند.

پی‌نوشت

1. Relief

۲. آوردن عددی خاص برای شمارش نقش برجسته‌های ساسانی ممکن است چندان دقیق نباشد، زیرا برای مثال حجاری بهرام پنجم در نقش رستم فارس که وی را در حال نبرد با هپتال‌ها نشان می‌دهد، دو موضوع مشابه و به‌هم پیوسته است، آیا باید آنها را ذیل یک شماره آورد یا دو شماره؟ نقش برجسته‌های تاق بستان در کرمانشاه را چگونه؟ نقش بهرام دوم و کرتیر در برم دلق فارس نیز چنین مشکلاتی دارد. از آن رو است که در منابع مختلف ممکن است اعدادی که برای شمارش نقش برجسته‌های ساسانی آورده می‌شود یکسان نباشد. امید است که جداول ارائه‌شده در این نوشتار، پژوهش‌های آتی را تسهیل کند. قابل‌ذکر آن که مقصود از نقش برجسته در سر تا سر این مقاله، آثار تصویری صخره‌ای است و دیگر انواع نقش برجسته از جمله مجموعه کتیبه‌ها را شامل نمی‌شود، چون گروهی از میراث صخره‌ای ساسانی فقط حاوی متن‌هایی اغلب به خط پهلوی یا دیگر خطوط باستانی هستند و فاقد تصویر که موضوع بحث این نوشتار نیستند و در این شمارگان لحاظ نشده‌اند.
۳. "هارپر معتقد است نقش برجسته‌های صخره‌ای به‌دوره تثبیت دودمان ساسانیان تعلق دارند و به‌قصد بیان مشروعیت سلسله جدید ساخته شده‌اند. به‌محض آن که یک حکومت مرکزی یا سازمانی قوی از اوایل قرن چهارم در ایران مستقر گشت، انگیزه ایجاد این‌گونه آثار کاهش یافت." (خلیلی، ۱۳۸۳: ۵۲).
۴. بخش غیرمیدانی این جدول را بیشتر از کتاب والتر هینتس با عنوان یافته‌های تازه از ایران باستان (هینتس، ۱۳۸۵: ۳۴۸-۱۶۱) که دقت ویژه‌ای در توصیف برخی جزئیات داشته است بهره برده‌ام و برخی را نیز از کتاب‌هایی چون تمدن ساسانی (سامی، ۱۳۸۸: ۱۶۱-۱۰۸) و باستان‌شناسی و هنر ساسانی (محمدی‌فر و همکار، ۱۳۹۴: ۲۴۲-۲۰۳) و مطالعه تطبیقی نقوش برجسته هخامنشی و ساسانی در ایران (دادور و غربی، ۱۳۹۱: ۲۰۰-۱۳۱)، اما هیچ‌کدام از این بزرگواران و هیچ منبع مکتوب دیگری اطلاعات موردنیاز چنین جدولی را فراهم نکرده بودند.
۵. بدیهی است که کتیبه‌های بدون تصویر عهد قاجار در این شمارگان لحاظ نشده‌اند و نیز چندین سنگ قبر منقوش بر جای مانده از دوران قاجاریه نیز به‌لحاظ این که کاربرد متفاوت داشته و همانندی در عصر ساسانی برای آنها شناخته نیست در نظر گرفته نشده‌اند از جمله سنگ قبر هنرمندانه فتحعلی‌شاه و محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار.
۶. کلمنته آگوستوس بارون دوید Celemente Augustus Baron Debod دیدار خود را به‌سال (۱۲۵۶ هـ / ۱۸۴۱ م) از نقش برجسته تیمور میرزا، نوه فتحعلی‌شاه در پیرامون کازرون این‌گونه گزارش می‌کند: "در منتهی‌الیه دماغه کوه، نزدیک جاده، نقش نازیبایی از تیمور میرزا یکی از پسران فرمانفرمای متوفی فارس با شیر موردعلاقه‌اش حجاری شده است. شاهزاده جوان این شیر را از بچگی طوری تعلیم داده بود که چون سگی به‌دنبال او می‌افتاد. آن‌چه این نقش را بد نما می‌کند رنگ‌آمیزی آن است که مانند مجموعه اشکال جدید واقع در غار تاق بستان نزدیک کرمانشاه رنگ‌آمیزی شده و در آن نقش محمدعلی میرزای متوفی بر بالای نقوش سلطنتی به‌نحوی حجاری شده که او را در حلقه درباریان نشان می‌دهد." (دوید، ۱۳۷۱: ۱۲۹).
۷. منابع دیگری نیز به رنگ‌آمیزی نقوش ساسانی در تاق بستان اشاره دارند از جمله: حیدری باباکمال به‌نقل از گلزاری [گلزاری، ۱۳۵۰: ۵۷] می‌نویسد: «یاقوت حموی در قرن هفتم هجری بقایای آثار رنگ را در تاق بستان تشخیص داده است» (حیدری باباکمال، ۱۳۹۱: ۷۷) آیا چنین اشارات مختصری کافی است تا رنگ‌آمیزی دیگر نقش برجسته‌های ساسانی را هم بپذیریم؟
۸. نقش شکار شیر فتحعلی‌شاه، تنها نقش برجسته دوره قاجار بود که خود به‌بهای نابودی اثری باستانی از عهد ساسانی و در جای آن پدید آمده بود. این اثر در پایین دز رشکان مکانی معروف به کوه سرسره قرار داشته و به‌سال ۱۲۴۶ هـ. به‌دستور فتحعلی‌شاه اجرا شده بود، اما متأسفانه در جریان فعالیت کارخانه سیمان ری در دهه چهارم سده اخیر آسیب دیده و از مکان خود جدا شده و سقوط کرده و امروزه می‌توان گفت از میان رفته است (نک: کریمان، ۱۳۴۹: ۳۰۲-۲۹۹) هم‌چنین (کریمان، ۱۳۵۵: ۴۵۴-۴۵۱).
۹. بر مبنای جدول ۲، نقش برجسته‌های ۱ و ۲ و ۴ نام حجاری ندارند. نقش برجسته ۳ و ۷ و ۸ اثر عبدالله‌خان و نقش برجسته ۵ اثر میرزا جعفر، نقش برجسته ۶ اثر احمد حجاری و نقش برجسته شماره ۹ اثر علی‌اکبر حجاری است. این اطلاعات حاصل تحقیقات میدانی نگارنده است.

منابع و مأخذ

- پاکباز، رویین. (۱۳۹۴). *دایرةالمعارف هنر*. چاپ اول، تهران: فرهنگ معاصر.
- توکلی طرقي، محمد. (۱۳۸۱). *تجدد بومی و بازانديشی تاریخ*. چاپ اول، تهران: تاریخ ایران.
- حاجی علیلو، سولماز. (۱۳۸۴). بررسی "اثرپذیری و موارد الگوبرداری از ایران پیش از اسلام در عصر قاجار با تکیه بر نقش برجسته‌های قاجاری". *نامه انسان‌شناسی*، سال چهارم (۸)، ۵۹-۳۰.
- حیدری باباکمال، یدالله. (۱۳۹۱). "نقش برجسته شکارگاه خسرو دوم در تاق بستان و الگوپذیری از آن در نقش برجسته تنگه واشی فتحعلی‌شاه قاجار". *باغ نظر*، سال نهم (۲۱)، ۸۵۲-۶۹.
- خلیلی، ناصر. (۱۳۸۳). *گرایش به غرب در هنر قاجار، عثمانی و هند*. چاپ اول، تهران: کارنگ.
- دادور، ابوالقاسم و غربی، عادل. (۱۳۹۱). *مطالعه تطبیقی نقوش برجسته هخامنشی و ساسانی در ایران*. چاپ اول، تهران: پشوتن.
- دوید، کلمنته اگوستوس بارون. (۱۳۷۱). *سفرنامه لرستان و خوزستان*. ترجمه محمدحسین آریا، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۴۹). *تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان*. چاپ اول، تهران: انجمن آثار ملی.
- سامی، علی. (۱۳۸۸). *تمدن ساسانی*. چاپ اول، تهران: سمت.
- سخن‌پرداز، کامران. (۱۳۸۸). "بازتاب هنر ایران باستان در تزیینات وابسته به معماری خانه امام جمعه و خانه منسوب به امیرکبیر". *نگره*، سال چهارم (۱۳)، ۶۸-۵۳.
- قزوینی، محمدبن زکریا. (۱۳۷۱). *آثار البلاد و اخبار العباد*. ترجمه محمدمراد بن عبدالرحمن، تصحیح محمد شاهمردی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- کریمان، حسین. (۱۳۴۹). *ری باستان*. چاپ اول، تهران: انجمن آثار باستانی.
- ----- (۱۳۵۵). *تهران در گذشته و حال*. چاپ اول، تهران: دانشگاه ملی ایران.
- محمدی‌فر، یعقوب و امینی، فرهاد. (۱۳۹۴). *باستان‌شناسی و هنر ساسانی*. چاپ اول، تهران: شاپیکان.
- مرتضایی، محمد؛ دهقان، مریم و حیدری باباکمال، یدالله. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل نقش برجسته‌های قاجاری مجموعه سنگ تاق بستان کرمانشاه. *مجله هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، ۱۹ (۲)، ۳۶-۲۷.
- نفیسی، سعید. (۱۳۸۳). *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*. چاپ اول، تهران: اهورا.
- وحدتی، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). "تجدید حیات هنر ایران در نقوش برجسته دوره قاجاری". *باستان‌پژوهی*، سال اول (۱)، ۴۹-۴۲.
- هینتس، والتر. (۱۳۸۵). *یافته‌های تازه از ایران باستان*. ترجمه پرویز رجبی، چاپ اول، تهران: ققنوس.



Received: 2018/01/04

Accepted: 2018/07/08



Comparative Study of Sassanid and Qajar Stone eliefs

Ali Asghar Mirzaei Mehr*

Abstract

Sassanid stone reliefs that were carved on the mountains are the main part of the artistic heritage of this ancient era, but the art of stone reliefs have worn by the rise of Islam and its spread through the country, then Qajar dynasty, especially Fath Ali Shah, has revived this art after 1200 years. There are some stone reliefs remained from Qajar era, that have significant similarities with Sassanian artworks. The purpose of this study is to compare the stone reliefs of the two historical eras to determine their similarities and differences, and also to introduce the characteristics of the stone reliefs accurately. This study seeks to answer this question that; Does Qajar dynasty create their own stone reliefs affected by the Sassanids? This study uses the descriptive-comparative method, and the presented information is the combination of library and field research. The results show that Qajar dynasty has been affected by the Sassanian art, they have had common purposes such as; propaganda to stabilize the central power and create a kind of national convergence about the character of the king. But the single purpose does not necessarily lead to the same results; therefore, despite many similarities between the stone reliefs of Sassanid and Qajar eras, the significant differences are also visible.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Keywords: Stone relief, Sassanids, Qajar, Fath-Ali Shah.

* Faculty member, Art and Architecture Faculty, University of Science & Culture, Tehran, Iran.